

تبیین اصول تسهیلگر در برنامه «فلسفه و کودک» در تناظر با اندیشه اسلامی

ایمان دیندار اصفهانی*

از نیروی اراده و تصمیمگیری، مسئولیت انتخاب و عمل بر عهده انسان گذاشته شده است و از اینرو از موضوعات بحث‌برانگیزی که طی چند سال اخیر مطرح شده، علاقه به توسعه تواناییهای فکری است.

چنین علاقه‌یی در تاریخ تعلیم و تربیت ریشه دارد. متأسفانه مدارس امروز، توجه خود را بیشتر به انتقال اطلاعات (حافظه) و حقایق علمی معطوف کرده و از تربیت انسانهای متفکر فاصله گرفته‌اند. اما کودکان امروز از طریق رادیو و تلویزیون، اینترنت و موبایل و... تحت تأثیر مسائل بزرگترها قرار می‌گیرند و آنها نیز مانند بزرگسالان، دنیا را آمیخته‌یی از امکانات گوناگون و راه-حل‌های دیگر می‌یابند و باید این مسئله را یاد بگیرند که چگونه برای خود قضاوت اخلاقی قابل قبولی داشته باشند. این در حالی است که انسانها بعنوان مخلوقاتی ضعیف در محیطی ناسازگار نیاز به پرورش قابلیت‌های شناختی خود دارند تا بقای خویش را تضمین نمایند. پس، آموزش فلسفه به کودکان موقعیتی فراهم میکند تا کودکان پرسشهای خود پیرامون مفهومیها را بپرسند و آنها را مورد بررسی قرار دهند، تفکر خود را بهبود بخشند، از ایده‌های دیگران و فلسفه سنتی درس بگیرند و با توجه به آن، خود، جامعه و جهان را بهتر بشناسند و قضاوت کنند، و زندگی هدفمندی داشته باشند.

کودکان بطور ذاتی متفکر و کنجکاو هستند. تفکر خوب و بهینه، نیازمند پرورش صحیح آن در دوران کودکی است. برای داشتن افرادی با قوه تفکر بالا و نقادی عالی، باید بتوانیم این استعدادها را در زمان کودکی پرورش داده و از آنها در مسیر صحیح استفاده نماییم. کودکان در این فرایند علاوه بر کسب روش صحیح تفکر و بحث مثبت، به نتایج دیگری نیز دست می‌یابند که هر کدام از آنها میتواند دلیلی جداگانه برای این امر باشد. از اینرو، کودکان راه صحیح تفکر، خوب شنیدن، خوب صحبت کردن، خوب نقد و تحلیل کردن، احترام به نظر مخالفان، انتخاب دیدگاه صحیح بدون جبر یا تقلید و سرانجام، تعامل مثبت با دیگران (بدون تضییع حقوق

چکیده

امروزه «فلسفه و کودک»، مورد استقبال جوامع مختلف قرار گرفته است، زیرا در این روش، با محوریت پرورش تفکر خلاق و انتقادی، مسائل مختلفی به کودک آموزش داده میشود. در ایران نیز این برنامه به‌همت بنیاد حکمت اسلامی صدرا در سال ۱۳۷۳ آغاز گردید و تهیه و تنظیم برنامه بومی و روایت ایرانی این طرح فلسفی، در دستور کار قرار گرفت. در این نوشتار، به‌اجمال، برنامه فلسفه و کودک را در هفت رکن: ۱. مربی، ۲. زمانبندی، ۳. محیط، ۴. روش آغاز بحث، ۵. اندیشه‌ورزی، ۶. روش و قالب ارائه و ۷. محتوا، توضیح داده و رکن مربی را که نقش تسهیلگر دارد، بتفصیل بررسی میکنیم. از آن جایی که این برنامه بطور رسمی در غرب تدوین شده، بیشک تحت تأثیر اندیشه‌های غربی است و نیاز است برای بومیسازی و سازگاری آن با فرهنگ و سنت ایرانی بازنگری شود. با توجه به تأکید اسلام به تربیت فکری انسانها و همچنین با توجه به ظرفیتهای زیادی که در متون فرهنگ ایرانی اسلامی از جهات مبانی، اصول، روش، محتوا و... وجود دارد، میتوان یک برنامه متناسب با این فرهنگ، بومیسازی کرد. پژوهش پیش رو که بر روش کتابخانه‌یی صورتبندی شده، نمونه کوچکی از ظرفیتهای موجود مورد ادعاست.

کلیدواژگان: فلسفه و کودک، اصول تسهیلگر، تربیت فکری، فرهنگ ایرانی اسلامی.

مقدمه

یکی از ویژگیهای منحصر بفرد انسان در میان تمامی موجودات خاکی، برخورداری از نیروی تفکر و مسئولیت ناشی از آن است، زیرا بر اساس قدرت تفکر و برخورداری

تاریخ تأیید: ۹۸/۱۰/۱

تاریخ دریافت: ۹۸/۸/۱

* دانش آموخته کارشناسی ارشد فلسفه اسلامی، دانشگاه قم؛

Iman1404@gmail.com

دیگران و بدست آوردن حق خویش) را می‌آموزند. با پرورش کودک متفکر میتوان بسیاری از مسائلی را که خانواده‌ها با آموزش آنها به کودک مشکل دارند، به آسانی آموزش داد. یکی از این مسائل آموزش نظم به کودک است.

۱. «فلسفه و کودک»

«فلسفه» در اصل یک واژه یونانی است که بمعنای علم‌دوستی است اما در اصطلاح فلاسفه اسلامی علمی است که با روش عقلی برهانی، از موجود، از جهت موجودیتش، بحث مینماید. به آن فلسفه الهی یا مابعدالطبیعه هم میگویند.^۱ فلسفه و کودک در اصطلاح، روشی آموزشی است که در آن از روش اندیشه‌ورزی و تفکر برای واداشتن ذهن کودک به کوشش در راستای پاسخگویی به نیاز و سؤالات بهره میگیرند.

هرچند «فلسفه و کودک» روشی است که ناظر به روح کار فلسفی یا همان توانایی اندیشیدن و تفکر و مباحثه است (پروینیان، ۱۳۹۵: ۳۵)، اما میتوان با استفاده از روشهای مناسب، آراء و اندیشه‌های فلسفی را به کودکان آموزش داد.

۲. ارکان و مؤلفه‌های برنامه «فلسفه و کودک»

برنامه «فلسفه و کودک» از ارکان و بخشهای مختلفی تشکیل شده که هر یک از آنها حاوی اصول و قواعدی است که باید مراعات شود تا اهداف مورد نظر حاصل گردد. این ارکان عبارتند از: (۱) مربی، (۲) روش آغاز بحث، (۳) محل آموزشی، (۴) مدیریت زمان، (۵) محتوای آموزشی، (۶) قالبها و روشهای آموزش، (۷) تفکر و اندیشه‌ورزی.

۱-۲. مربی

مهمترین رکن در برنامه «فلسفه و کودک»، مربی است، چراکه او قرار است با رعایت یکسری اصول، قواعد و روش، کودکان را پرورش داده و استعدادهای آنها را شکوفا نماید و برای جامعه آینده، انسانهایی متفکر و اندیشه‌ورز تربیت کند.

مربی، تسهیلگری است که دنیای کودک را برای او معنادار میکند. بعبارت دیگر، مربی، معناساز دنیای کودک است و جهتگیریها و راهنماییهای کلاس «فلسفه و

کودک» برعهده اوست. مربی نقش محرکی را دارد که از طریق آن ارزشها به کودک منتقل میشود.

مربی همه چیز را نمیداند، او میانجی گفتگو و دیالوگی است که در کلاس جریان دارد. این بدان معناست که مربی پرسشهایش را براساس جملات و گفته‌های کودکان طرح میکند، چراکه بالاترین هدف وی، کمک به کودکان است تا عقیده خود را کشف کنند و بفهمند. بهترین شیوه کشف خود، فلسفه و گفتگوی فلسفی با دیگران در کلاس است. کودکان تنها زمانی میتوانند خود را کشف کنند که خویشان را در آیینۀ دیگران ببینند.

مربی پس از گذراندن آموزشهای لازم، با ارتباط نزدیک خود با دانش‌آموزان و همچنین نوآوری‌یی که در امر یادگیری دارد، میتواند بالی برای پرواز بسوی تفکر باشد.

۲-۲. روش آغاز بحث

بطور معمول، روش شروع بحث در برنامه «فلسفه و کودک» به این صورت است که مربی یک داستان را انتخاب کرده و در چند بخش آن را میخواند یا اینکه هر دانش‌آموزی یک جمله از اولین بند داستان مورد نظر را با صدای بلند میخواند و سایر دانش‌آموزان آن را تکرار میکنند و با پایان یافتن هر بند، مربی با استفاده از کلمات، مفاهیم، عبارات و جملات کلیدی، بحثهای مختلفی را شکل میدهد و بچه‌ها را به بیان و تبادل اطلاعات و عقاید خود، مستدل کردن گفته‌هایشان و قضاوت در مورد نظریات یکدیگر ترغیب میکند. به این ترتیب، بتدریج خود دانش‌آموزان به طرح سؤالات و پیشنهادهایی برای شروع بحث بین یکدیگر میپردازند و در خلال گفتگوها، بمنظور رفع خستگی و ایجاد تنوع در کار، به اجرای تمرینهای عملی مرتبط با موضوع بحث میپردازند (نوروزی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۰۹).

۳-۲. محل آموزشی

محل آموزشی، مکان یا جایگاهی است که مربی به‌مراه کودکان در مدت زمان از قبل تعیین شده، یک اجتماع کوچک را تشکیل میدهند و به اجتماع‌پژوهی میپردازند. اجتماع‌پژوهی یعنی مشارکت همه افراد اعم از

مربی و متربیبان در بحث و گفتگو و نتیجه‌گیری پایانی. مکان اجتماع‌پژوهی می‌تواند در راستای اهداف و مصالح در نظر گرفته‌شده، کلاس مدرسه، فضای طبیعت یا هر جای دیگر باشد.

۴-۲. مدیریت زمان

از آنجا که در برنامه «فلسفه و کودک» بدنبال یک فضای کاملاً آزاد و بدون تحمیل و زور هستیم، نمیتوان در همه‌جا و برای همه سنین یک زمان واحد را تجویز نمود، بلکه برای زمانبندی مناسب، باید اهداف جزئی، محتوا، سن کودک، موانع پیش‌رو، مقتضیات و مصالح را در نظر گرفت، تا بتوان بهترین زمانبندی را انجام داد.

با وجود این، میتوان گفت بطور میانگین مناسب است کلاسهای اندیشه‌ورزی بین سه تا پنج ساعت در هفته برگزار شود و کمتر از آن ممکن است وصول به اهداف مورد نظر را بتأخیر بیندازد، زیرا در امر اندیشه‌ورزی باید بگونه‌یی برنامه‌ریزی نماییم که فاصله جلسات با یکدیگر زیاد نباشد که یکپارچگی و اتصال این جلسات گسسته شود، زیرا نتیجه‌بخشی و شرط رسیدن به اهداف، در این برنامه، در سایه انسجام و اتصال جلسات است. هر جلسه اندیشه‌ورزی بمتابه جرقه‌یی است که در جان کودک شکل می‌گیرد و تداوم و اتصال این جلسات موجب روشن شدن حرارت و نور اندیشه‌ورزی در او میشود.

۵-۲. محتوای آموزشی

محتوا همان متعلق اندیشه کودک است که توسط مربی بسمت آن رهنمون میشوند. بعنوان مثال، وقتی مربی داستانی را هنگام آغاز بحث، میخواند و در ذیل آن سؤالاتی را مطرح میکند، چه آن داستانی که خوانده میشود و چه آن سؤالاتی که مطرح میشود، همه بر محور یک موضوع یا مسئله متمرکز است که مربی قصد دارد، کودک یا متربیبش، متوجه آن باشد و در مورد آن اندیشه‌ورزی کند و در آن جهت رشد و تکامل یابد.

با مراجعه به متون اسلامی درمی‌یابیم که هیچ کتاب آسمانی درطول حیات بشری باندازه قرآن حکیم انسان را تشویق و امر به تفکر و اندیشه در تمام حقایق عالم عام از آفاقی، انفسی و شرعی- نکرده است. قرآن کریم در همه آیات خود هم بصورت صریح و هم بصورت ضمنی تأکید

بر تفکر دارد و همگان را به این امر مهم دعوت مینماید. در روایات نیز اندیشه‌ورزی بسیار توصیه شده است. بعنوان نمونه، امام صادق (ع) میفرماید: «فكرة ساعة خير من عبادة الف سنة؛ یک ساعت اندیشیدن در خیر و صلاح، از هزار سال عبادت بهتر است» (نهج/الفصاحه: ۱۱۴).

در برنامه «فلسفه و کودک» هرچند بدنبال تربیت کودکی: (۱) آزاداندیشی و تحلیلگر (صاحب تفکر انتقادی)، (۲) خلاق در کشف راه‌حلهای مختلف (تفکر خلاق) و (۳) مؤدب به آداب اندیشه‌ورزی (تفکر مراقبه‌یی) هستیم، اما محتوایی که در این برنامه ارائه میگردد باید متناسب و در راستای مبانی، جهانی‌بینی و اهداف فرهنگ ایرانی اسلامی باشد؛ چه بسا چنین محتوایی موجب تقویت آن سه نوع تفکر (انتقادی، خلاق و مراقبتی) میگردد.

مسائلی که میتوانند بعنوان محتوا ارائه گردد، عبارتند از: مسائل هستی‌شناسی، مسائل اعتقادی، مسائل اخلاقی، مسائل فرهنگی، مسائل اجتماعی، مسائل علمی، و... در ادامه بتفصیل به چند نمونه از محتوایی که در راستای تعالیم اسلامی است و میتواند محور تفکر قرارگیرد، میپردازیم.

۱-۵-۲. تفکر در مورد خود تفکر

برخی معتقدند بمحض اینکه کودک اولین سال تحصیل خود را آغاز کرد، باید بسرعت در اینباره اقدام کنیم و بهبود وضعیت فکری او را بعنوان هدفی در نظر بگیریم که به همه حوزه‌های یادگیری نفوذ میکند. علاوه بر این، باید خود تفکر (نه تفکر درباره چیزی) را بعنوان موضوع مورد مطالعه به کودکان ارائه دهیم (فیشر، ۱۳۹۱: ۲۶۷). شاید بتوان گفت اندیشه‌ورزی درباره خود اندیشه، بر هر موضوعی متقدم است، زیرا کودک ابتدا می‌آموزد که تفکر چیست و چه اهمیت و فوایدی دارد و همچنین قواعد و اصول یک تفکر صحیح را فرا میگیرد.

۲-۵-۲. شناخت هستی

یکی از موضوعات مناسب اندیشه‌ورزی، مباحث مربوط به شناخت هستی است. بعنوان مثال، میتوان در قالب مثال و داستان و... کودک را در مورد علیت (ضرورت علیت، اقسام علل)، به اندیشه واداشت. مثلاً میتوان از تکان خوردن برگهای درختان توسط باد، ذهن کودک را متوجه این نکته



ساخت که گاه با وجود اینکه علت وجود دارد، قابل مشاهده نیست، یا اینکه ذهن کودک را بسمت هدفمندی اشیاء هدایت کنیم و او را درگیر این مسئله مهم نماییم.

۲-۵-۳. تفکر در عالم خلقت

یکی دیگر از مسائلی که برای کودکان میتواند بسیار جذاب باشد، تفکر در مورد مخلوقات و عالم خلقت است. با بیان اقسام مخلوقات و ویژگیهای آنها ذهن کودک درگیر آن میشود. مثلاً میتوان درباره کوهها، ابرها، نحوه شکلگیری باران یا دیگر موجودات عالم با کودک صحبت کرد و او را به اندیشه واداشت.

۲-۵-۴. تفکر انسان درباره خود

تفکر انسان درباره خود که در دین اسلام از آن به «معرفت‌النفس» و شناخت نفس یاد شده، جزو مسائل ارزشی و مهمی است که اندیشیدن درباره آن ثمرات زیادی بدنال دارد. اندیشیدن درباره خویش، چون از درون خود اتفاق می‌افتد و بیرون از خود نیست، اثر بیشتری بر جان میگذارد و سریعتر از هر چیز دیگری انسان را به تفکر وامیدارد، زیرا اندیشیدن انسان درباره خود، سیر و سفری درونی، از جنس علم حضوری است؛ همچنین در بین مخلوقات عالم، هیچ چیزی از خود انسان به او نزدیکتر نیست. بعنوان نمونه میتوان از نعمتها و ویژگیهایی که در جسم ما - مثل چشم و گوش و زبان و... وجود دارد، شروع کرد و کودک را به تفکر درباره خلقتش واداشت. برای این مطلب کتاب حدیث توحید مفضل^۲ که حاوی مطالب توحیدی در قالب فواید اعضای بدن است، پیشنهاد میگردد.

۲-۶-۶. قالبها و روشهای آموزشی

روش در اصطلاح علوم به مجموعه شیوهها و تدابیری گفته میشود که برای کشف و شناخت حقیقت و دوری از لغزش بکار برده میشود. بعبارت دیگر، روش مسیری است که از یک مبدأ تا یک مقصد طی میشود. در اینجا انواع روشها در برنامه فلسفه و کودک به اختصار بیان میشود:

۲-۶-۱. داستان

مبدع فلسفه برای کودکان خود به این نتیجه رسید که بهترین روش برای آموزش تفکر به کودکان، استفاده از داستان است (همان: ۲۶۹). داستان علاوه بر اینکه میتواند

محرکی برای پیشرفت سطح سواد و مهارتهای فکری دانش‌آموزان باشد و توانایی خواندن و نوشتن آنها را تقویت کند، با فضاسازیهای متعدد و متفاوتی که فراهم میکند، به کودک این امکان را میدهد که از طریق همذات‌پنداری و قرینه‌سازی، فعالانه با قهرمانهای داستان همراه شود، خود را بجای آنها بگذارد، درگیر چالشها شود، به پرسشهای طرح شده در متن داستان پاسخ دهد، پاسخهای خود را با آنچه در متن اتفاق می‌افتد مقایسه کند، تصمیم بگیرد، سرزنش یا تحسین کند و در این فرایند، مهارتهای تفکر فلسفی خود را نقد، تأیید یا تعمیق نماید و معانی و مضامین فلسفی نهفته داستان را هرچه بهتر و عمیقتر جستجو کند.

در فرهنگ ایرانی - اسلامی ما منابع داستانی بسیاری وجود دارد که باید متناسب با زبان کودک و ادبیات محاوره امروز، بازسازی گردد، از جمله: *ریحانه* از فارابی؛ *سلامان و ابدال*، *حی بن یقظان*، *رسالة الطیر* و قصیده معروف عینیه از ابن‌سینا؛ *رسائل مشهور آواز پر جبرئیل*، *لغت موران*، *مونس‌العشاق* از سهروردی، *داستان راستان* از استاد مطهری؛ *کليلة و دمنه*؛ *بوستان سعدی* و... .

۲-۶-۲. شعر

شعر بدلیل برخورداری از ویژگی سیالیت، انعطاف و قابلیت‌های شناختی، میتواند مایه انگیزش، لذت‌بردن از زبان، گسترش دامنه واژگان و مهارت بکارگیری واژه‌های دقیق شود. همچنین میتواند مفاهیمی مانند اندازه، شماره، رنگ، زمان و... را بویژه برای کودکان، قابل فهم سازد و آنها را در شناخت جهان پیرامونشان یاری دهد. امام صادق(ع) در مورد آموزش شعر مناسب به کودکان میفرماید:

کان أمير المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام یعجبه أن یروی شعر ابی طالب رضی الله عنه و أن یدون، و قال علیه السلام: تعلّموه و علّموا أولادکم فإنّه کان علی دین الله و فیه علم کثیر؛ «امیرالمؤمنین از اینکه شعر ابوطالب (پدرشان) روایت و تدوین شود، خرسند میشدند و میفرمودند: آن را فراگیرید و به فرزندان یاد بدهید، چراکه او بر دین خدا بود و در آن دانش بسیار هست. (محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۸۹: ۱۶۰).

علاوه بر این، نباید از منابع شعری فرهنگ خود مثل

گلستان سعدی، مثنوی مولوی، دیوان حافظ، شاهنامه فردوسی و... غافل گردید که البته در مواردی لازم است مضمون این اشعار بصورت ساده‌تر و با ادبیاتی مناسب با سن کودک، بازسازی گردد.

۲-۶-۳. موسیقی

بشر از دیرباز با گوش سپردن به موسیقی طبیعت و الهام از آن، تلاش کرده تا آنچه را درون خود احساس میکند، با آفرینش اصوات و همراهی سکوت و موزون ساختن رابطه میان آنها، بیان نماید. پرسشهای فراگیر فلسفی و زبان همگانی موسیقی، ترکیب مؤثری برای بیان مفاهیم، مضامین و معانی فلسفی بوجود می‌آورند.

قابلیت موسیقی در پرورش حس زیبایی‌شناختی کودک نیز مهم است، چنانکه به اعتقاد سقراط نیز افراد باید مطالعه موسیقی را از کودکی آغاز کنند. برای او هماهنگی همان زیبایی، خیر و عدالت حقیقی است؛ در نتیجه کودکانی میتوانند نیکی را تشخیص دهند که تشخیص زیبایی را آموخته باشند (فخرایی، ۱۳۸۹: ۷۴).

۲-۶-۴. نمایش و فیلم

نمایش و فیلم دو ابزار سودمند دیگرند که در واقع رونوشت پویا و تصویری داستانها بشمار می‌آیند و بعلاوه بهره‌گیری از عناصر بیشتر و درگیرکردن جنبه‌های مختلف هوش بشری، آنچه را داستان در ما برمی‌انگیزد، بسیار برجسته‌تر می‌سازند. این ابزارها در تمام شکل‌های ممکن / اعم از فیلم‌های آموزشی، نماهنگ‌های تبلیغاتی، فیلم‌های سینمایی و حتی مجموعه‌های تلویزیونی/ همواره قابلیت تأثیرگذاری بر مخاطب را دارند، اگرچه همیشه هم اهداف مثبت و سازنده‌یی را دنبال نمی‌کنند. ولی آنچه اهمیت دارد، بکارگیری این ابزار بگونه‌یی است که حاوی اندیشه‌های فلسفی باشد و هوشمندان ما را بسوی پرسشهای خردمندانه و تفکر هدفمند هدایت کند.

هر کدام از این ابزارها میتواند محرکی برای تأمل و کندوکاو باشد؛ چه نمایش که ایفای نقش و تجربه دست اول است مانند یک ملاقات یا گواهی‌دادن درباره یک تجربه- و چه فیلم که در آن با انبوهی از شخصیتها و رویدادها مواجهیم که در آنها عقاید، موضوعات و توجیهات فلسفی بعینه تجسم می‌یابند و ما میتوانیم برای شرح و

برانگیختن تفکر فلسفی به آنها رجوع کنیم. بعلاوه، فیلمها دارای نکات فلسفی خاصی برای عرضه، حقیقت خاصی برای کشف و درک خاصی از وضعیت انسان هستند و آنها میتوانند بنحو ملموس مطالب فلسفی را بیان کنند؛ بویژه فلسفه‌یی که خود را در کلاف انتزاع و تعمیم گم کرده و ارتباطش را با زندگی ملموس و عینی از یاد برده است.

۲-۶-۵. تصاویر و عکسها

تصاویر و عکسها میتوانند فرصت نگاه و توجه دقیق را فراهم کنند. برای اینکه کودک بر افکار خود تمرکز کند، انتخابگری خود را نشان دهد و به بصیرت و بینش برسد، نیازمند محرک است. مجله‌های رنگی منبع تصویری ارزشمندی را در اختیار ما میگذارند. عناصر دیداری موجود در تصاویر - شامل خط، شکل، بافت و رنگ- نقش تعیین کننده‌یی در تأثیربخشی آنها دارد؛ بویژه رنگ از مهمترین عوامل برانگیزاننده حس است، همچنانکه خط نیز کیفیتهایی را ایجاد میکند که دارای دلالت‌های ضمنی است. کودکان به هنگام تماشای کتابهای تصویری بدون کلام، برای پی بردن به معنای کنشها و دلالت‌های ضمنی، باید بیشتر دقت کنند، در نتیجه تفکر خلاق و سواد دیداری آنها تقویت میشود.

۲-۶-۶. نقاشی

نقاشی روش شگفت‌انگیز دیگری برای مشاهده‌پذیرکردن جریان تفکر است. شیوه تصویری، هم برای بیان ایده‌ها و هم برای درک ایده‌های دیگران، آسانتر است. از طرفی، نقاشی برای کودکان نوعی بازی نیز بشمار میرود؛ از اینرو به آن تمایل ویژه‌یی دارند و با اشتیاق به آن میپردازند (فیشر، ۱۳۹۱: ۹۶). اثر نقاشی شده برای ما بمنزله متنی است که نمیتواند خالی از معنا باشد. از همینرو میتوان از آن بعنوان ابزاری سودمند برای پرورش و آموزش اندیشیدن و اندیشه‌های فلسفی سود جست.

۲-۶-۷. بازی

بازی برای کودک جذابترین موضوع حیات است. واژه بازی برای بزرگسالان مساوی با وقت‌گذرانی بطالت، غفلت و... است که مانع تکامل و تعالی میگردد؛ اما برای کودک بستر رشد و تکامل را فراهم میکند و زمان بازی کودک، زمان تعطیلی تکامل نیست، بلکه هنگام شکوفایی استعداد‌های وی

از طریق بازی است. از اینرو، توصیه شده که به کودکان خود اجازه بازی دهید و کودکی که بازیگوش باشد، در بزرگسالی خوش‌فهم و بردبار خواهد شد. قال رسول الله (ص): «عرامة الصبی فی صغره زیادة فی عقله فی کبره» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۲: ۲۴۲ و ۲۵۷).

در اینباره امام صادق(ع) نیز میفرماید: «دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ يُؤَدَّبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ الزَّمَهُ نَفْسَكَ سَبْعَ سِنِينَ فَإِنْ أَفْلَحَ وَ إِلَّا فَلَا خَيْرَ فِيهِ»؛ فرزندت را تا هفت سالگی رها کن تا بازی کند و...» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۱/۷۵). این روایت از نکته‌ی ظریفی برخوردار است؛ امام فرمودند کودک را بطور مطلق به حال خود رها کنید و تحت هیچ برنامه‌ی تعلیم و تربیت قرار ندهید، بلکه فرموده‌اند او را در فضای بازی رها و آزاد کنید؛ یعنی اگر قرار است تعلیم و تربیتی صورت بگیرد باید در قالب بازی که اقتضای فطری سن کودک است، انجام پذیرد.

در گذشته نیز بسیاری از آموزه‌ها در قالب بازی به نسلهای بعدی انتقال داده میشد، بطوریکه گاهی بازیها نوعی آیین و شعائر قومی یا مذهبی بشمار میرفتند که هدفشان آموختن مهارتها، آداب و هنجارهای اخلاقی بود. بنابراین شاید بتوان برخی مفاهیم و پرسشهای فلسفی را نیز در قالب بازی به کودکان ارائه کرد (فخرایی، ۱۳۸۹: ۷۴).

۲-۶-۸. حلقه‌ کندوکاو (مباحثه)

روش گفتگو در برنامه‌ی فلسفه و کودک، کندوکاو گروهی است که از گفتگوی سقراطی و مباحثه‌ی طلاب در حوزه‌های علمیه الهام گرفته است. این روش، تلفیقی از روشهای مختلف در جهان است و از ابزارهایی چون داستان، خبر، نقاشی، نمایش، خاطره و غیره بهره میگیرد. کودکان میتوانند از طریق مباحثه یاد بگیرند منطقیتر، موثرتر و فیلسوفتر باشند. گفتگو به افراد کمک میکند تا افکار خویش را اصلاح کنند، برای عقاید خود دلیل بیاورند، اندیشه‌های مبهم را بصراحت بیان کنند، عقاید دیگران را درک نمایند، به کشف و ابداع عقاید جدید بپردازند و از این طریق درک و توانایی خود را برای حل مسائل موجود در زندگی افزایش دهند (رمضانی، ۱۳۹۸: ۳۳). در نتیجه، وقتی این روند در شرکت‌کنندگان درونی شد یا ناخودآگاه به آنان منتقل

گشت، آنها به این فکر خواهند افتاد که در سایر امور زندگی، در مواجهه با اتفاقات واقعی و جدید، از چیزهایی که یاد گرفته‌اند، بهره ببرند.

علمای اسلام در متون اخلاقی در باب علم‌آموزی، توصیه‌ی بسیاری به مباحثه کرده‌اند، از جمله شهید ثانی در کتاب منیه‌ المرید میگوید:

شاگرد باید با کسانی که همدرس او هستند...، بحث و مذاکره نماید و سخنان و بیانات استاد را میان خود اعاده و تکرار کنند، زیرا بحث و مذاکره درس، متضمن فواید مهمی است که از هر جهت بر فواید و عواید حفظ کردن آن، ترجیح دارد... آن کسی که طالب علم است برای مذاکره، احساس حرج و دشواری نمینماید (شهید ثانی، ۱۳۹۶: ۱۹۲).

۲-۶-۹. معما

معما، سؤالات پیچیده، مبهم و گمراه‌کننده ذهنی است که مخاطب را وادار به تفکر میکند. مخاطب باید با تحلیل داشته‌هایی که از یک معما در دست دارد، به کشف جواب بپردازد.

۲-۶-۱۰. مسابقه

مسابقه نیز از دیگر روشهای جذاب و فعال برای رشد و تربیت فکری کودک است. از آنجایی که در مسابقه رقابت مطرح میگردد و از هیجان بالایی نیز برخوردار است، برای متری بسیار جذاب و مورد علاقه اوست. دین اسلام نیز به مسابقه توجه ویژه کرده تا جاییکه به رقابت و مسابقه اسب‌سواری و تیراندازی توصیه شده است. پیامبر اکرم(ص) فرمودند: «ما تشهد الملائكة من لهوكم إلاّ الرهان و التّصال»؛ فرشتگان از بازیهای شما جز در اسب‌دوانی و کشتی حضور نمی‌یابند (نهج‌الفصاحه: ۶۹۸).

۲-۷. تفکر و اندیشه‌ورزی

تفکر شامل هر نوع فعالیت ذهنی است که به تدوین یا حل یک مسئله، تصمیمگیری یا فهم مطلب کمک میکند. در واقع از اندیشیدن است که ما به حیات، معنا میبخشیم. تفکر عبارتست از بازآرایی یا تغییر شناختی اطلاعات بدست آمده از محیط و نمادهای ذخیره شده در حافظه درازمدت. در فرایند تفکر فرد اطلاعات ذخیره شده

را بکار میبرد تا استدلال کند یا به حل مسئله و نتیجه‌گیری بپردازد. بعبارت دیگر، اندیشیدن و تفکر فعالیتی ذهنی است که از جستجو در چیزی که میدانیم (اطلاعات، تجربیات، خاطرات و...) بسوی آنچه نمیدانیم، رهنمون شده و داده‌ها را تحلیل میکنیم. لازم بذکر است که پرسش، مقدمه تفکر است و در ادامه به اقسام تفکر خواهیم پرداخت.

۲-۷-۱. تفکر خلاق: تفکر خلاق مجموعه‌یی از گرایشها و تواناییهایی است که فرد را بسوی ایجاد افکار، ایده‌ها یا تصورات خلاق (فیشر، ۱۳۹۱: ۶۸) هدایت میکند. این نوع از تفکر، پاسخهای بسیار متفاوتی را بوجود می‌آورد. بعبارت دیگر، تفکر خلاق امری خیال‌پردازانه و مبتکرانه و نیز متضمن خلق ایده‌های جدید است.

۲-۷-۲. تفکر انتقادی (نقاد): تفکر انتقادی، تفکری مستدل و منطقی است که بر تصمیمگیری ما درباره آنچه میخواهیم انجام دهیم یا باور داشته باشیم، متمرکز میشود. این تفکر درصدد یافتن پاسخی مطلق یا صحیح است. تفکر انتقادی بدین‌معناست که افراد یاد بگیرند چه زمانی سؤال کنند، چگونه سؤال کنند و چه سؤالاتی بپرسند. همچنین آنها می‌آموزند چگونه استدلال کنند، چه زمانی از استدلال استفاده نمایند و کدامین روش استدلالی را بکار گیرند (همان: ۱۱۸). این نوع تفکر، تفکر مستدل و تیزبینانه‌یی است که چه چیزی را باور کنیم و چه اعمالی را انجام دهیم. منظور از نقد، نقاد و انتقادی در اینجا، برخورداری از دید تیزبینانه است نه گله‌مندی یا شکایت.

۲-۷-۳. تفکر مراقبتی: نوع دیگر تفکر که اهمیت بسیاری نیز دارد و اساساً تفکر اصیل بدون آن حاصل نمیگردد، تفکر مراقبتی است. تفکر مراقبتی در جامعه و اجتماع فکری یا بتعبیر امروزی در «حلقه‌های کندوکاو» مطرح میشود. خانواده، جامعه در ابعاد کوچک است. تفکر مراقبتی باید از درون خانواده آغاز شود. ولی تفکر مراقبتی چیست؟ تفکر مراقبتی یعنی اینکه هر کس هنگام مباحثه یا گفتگو مقام بحث را بداند و قواعد بازی گفتگو را رعایت کند. اینکه کودکان بتوانند پیش از آنکه یکدیگر را نقد کنند، سخن همدیگر را بشنوند و به اصطلاح در حرف هم نپرند، توهین نکنند، دوستان و همکلاسیان خود را تحقیر

نمایند و بدانند با پدر و مادر، همسالان و معلمان خود چگونه باید گفتگو کنند؛ و همچنین برعکس. برای نمونه، براحتی میتوان تفاوت شیوه گفتگو میان یک فرد عامی و یک فرد تحصیلکرده را مشاهده کرد (مقربی، ۱۳۹۴: ۵۴).

۳. فلسفه و کودک از منظر متون اسلامی

همانطور که اشاره شد، در متون اسلامی توصیه‌های بسیاری بر اندیشه‌ورزی شده است و انسانها را به این امر مهم تشویق و حتی امر نموده‌اند. از طرفی، در تعلیم اسلامی، تربیت از حیاتیترین ابعاد زندگی انسان است و در پرتو آن، انسان به سعادت مطلوب نائل می‌آید. امام سجاد(ع) درباره وظیفه پدر نسبت به تربیت دینی فرزند میفرماید: «وَإِنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وَلِيْتَهُ بِهٖ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَالِدَلَالَةِ عَلٰی رَبِّهٖ»؛ تو (پدر) نسبت به فرزند خود مسئول هستی که او را نیکو تربیت نمایی و بسوی پروردگارش رهنمون شوی (طبرسی، ۱۳۷۰: ۴۲).

از طرف دیگر، تعلیم و تربیت از اموری است که باید از همان خردسالی آغاز گردد تا اثر لازم را داشته باشد و گرنه تربیت در سنین بالا کم اثر و چه بسا بی‌اثر خواهد بود، زیرا انسان مانند درختی تنومند، در زمین ریشه دوانده و شکلپذیریش بسیار مشکل خواهد بود. بر این اساس، انسانها از همان اوایل زندگی باید تحت تعلیم و تربیت قرار بگیرند. در اینباره امیرالمؤمنین(ع) میفرماید: «العلم فی الصغر كالنقش فی الحجر»؛ تعلیم از سن کودکی مانند کندن نقش بر روی سنگ است [و از اینرو ماندگار خواهد بود] (کراچکی، ۱۴۱۰: ۱ / ۳۱۹).

بطور خلاصه، جایگاه «فلسفه و کودک» از منظر متون اسلامی، را میتوان چنین ترسیم کرد:

(۱) اندیشه‌ورزی مورد توجه و اهتمام دین اسلام است و تأکید بسیاری بر اکتساب آن شده است.

(۲) از منظر اسلام تعلیم و تربیت انسان از اصلیتترین اهداف خلقت اوست.

(۳) اندیشه‌ورزی یک مهارت است که حصول آن نیاز به تعلیم و تربیت دارد.

(۴) از منظر اسلام بهترین و آسانترین زمان تعلیم و تربیت، سن کودکی است، زیرا در این سن انسان پذیرش و انعطاف بالایی در کسب علوم و معارف دارد.



۵) در نتیجه، پرورش اندیشه‌ورزی باید از سن کودکی آغاز شود و برنامه‌ریزیها و زمینه‌سازیهایی مناسب در کودکی فراهم گردد تا انسان بتواند در بزرگسالی از مهارت اندیشه‌ورزی صحیح برخوردار گردد، دقیقاً همان هدفی که در برنامه فلسفه و کودک دنبال میشود.

۴-۱. ویژگیهای لازم برای مربی برنامه «فلسفه و کودک»

اجرای مؤثر برنامه درسی طرح «فلسفه و کودک» در گرو تضمین صلاحیت مربیانی است که بتوانند تسلط کافی را بر روشهای نوین پیدا کنند و با چگونگی، ویژگی و روشهای آن آشنا گردند. آموزش کودکان توسط مربیان ورزیده در طرح آموزش «فلسفه و کودک» از اهمیت بالایی برخوردار است.

اگر آموزش کودکان توسط مربی ناآزموده و غیر حرفه‌یی صورت گیرد که با مهارتهای فلسفی تفکر و استدلال و بچالش کشیدن آنها در این زمینه آشنا نبوده و ناشیانه عمل کند یا خود عامل به عمل خویش نباشد، ضایعه‌یی بر جای خواهد گذاشت که جبران آن بسادگی صورت نمیگیرد و آثار آن سالها در زمینه تربیتی و آموزشی، بطور کاملاً محسوسی بر جا میماند. تا زمانی که مربی، آموزش صحیح نبیند و دوره‌های آموزش ضمن خدمت را طی نکند، انتظار موفقیت او در این امر، دور از ذهن خواهد بود. تحقق این امر مستلزم حصول ویژگیهایی در مربی است، که به مهمترین آنها اشاره میکنیم.

۴-۱. برخورداری از سلامت جسمی

اولین ویژگی مربی تعلیم و تربیت، برخورداری از سلامت جسمی است. مربی بیمار و ناسالم، توانایی و انرژی کمتری را میتواند صرف متریبان نماید. همچنین مربی باید از نشاط و شادابی ویژه‌یی برخوردار باشد و بیماری احتمالاً از میزان نشاط و شادابی او میکاهد. در متون اسلامی نیز برخورداری از نیروی بدنی و سلامت جسمی، بدلیل اینکه در خدمت عقل و در راه بندگی خدا قرار میگیرد، مورد مدح و سفارش قرار گرفته است. بعنوان نمونه، پیامبر اکرم (ص) میفرماید: «المومن القوی خیر و احب الی الله من المومن الضعیف و فی کل خیر»؛ مؤمن نیرومند بهتر و نزد خدا محبوبتر از مؤمن ناتوان است

و در هر کدام خوبیهایی است» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۲: ۱۲۰). یا امیرالمؤمنین (ع) در دعای کمیل میفرماید: «یا رَبَّ یا رَبَّ یا رَبَّ قُوَّ عَلَی خِدْمَتِکَ جَوَارِحِی وَ اَشْدُّ عَلَی الْعَزِیْمَةِ جَوَانِحِی»؛ پروردگارا، پروردگارا، پروردگارا اندام مرا بر خدمتگزاریت نیرومند ساز و درونم را در تصمیمگیری قوی دار (شیخ طوسی، ۱۴۱۱: ۸۴۹/۲).

۴-۲. برخورداری از سلامت روحی و روانی

مربی علاوه بر برخورداری از سلامت جسمی، ضرورتاً باید از سلامتی روح و روان نیز برخوردار باشد و شاید اهمیت آن از سلامت جسمی هم بالاتر باشد، زیرا کسی که دارای جسم ناسالم باشد، آنچنان خطری برای دیگران ندارد (در بیماریهای غیر واگیردار)، اما کسی که دارای روح بیمار و ناسالم باشد، با معاشرت با دیگران، بر آنها تأثیر گذاشته و آنها را نیز بیمار خواهد کرد. به هر حال، سلامتی روح و روان از ملاکهای اصلی است که باید مربی از آن برخوردار باشد. در اینباره شهید ثانی در منیه المرید میگوید:

آنگاه که معلم دست اندرکار تدریس میگردد باید از عوارضی که آرامش او را از میان میبرد یا فکر او را دچار تشویش و اضطراب میسازد، کاملاً مصون باشد. در چنین شرایطی اساساً تدریس نکند. این عوارض عبارتند از: خوشحالی مفرط، اندوه، خشم و... (شهیدثانی، ۱۳۹۶: ۱۴۰).

۴-۳. برخورداری از حداقل زیبایی و آراستگی ظاهری

یکی از اصولی که در جای خود مهم بنظر میرسد، برخورداری مربی از زیبایی و آراستگی ظاهری مناسب است. اگر مربی از همان ابتدا در دل و چشم متریبان خود جلوه کند، همراهی و انگیزه مضاعف متریبان را به همراه خواهد داشت. زیبایی ظاهری و همچنین آراستگی مناسب، میتواند تا حدی این جذابیت را تأمین نماید. شهید ثانی در کتاب منیه المرید مینویسد:

باید معلم... با لباس و بدنی نظیف و پاکیزه وارد جلسه شود و جامه خویش را از پارچه سفید تهیه کند، زیرا جامه سفید بهترین و نیکوترین و زیباترین تن‌پوش انسان است... باید هنگام ورود به جلسه درس، خود را خوشبو ساخته و موی صورت خود را شانه زده و خویشتن را از هرگونه آثار زنده و اشمئزاز‌آور بپیراید (همان: ۱۳۳).

۴-۴. خوش خلقی و مهربانی

مربی اگر بخواهد سهم کاملی در فرایند تربیت داشته باشد و در کار خود موفق گردد باید با مربی رابطه صمیمانه برقرار کرده، شفقت و دلسوزی بخرج دهد. دلسوزی مربی و اشتیاقش به انتقال تجربه یا خیرخواهیش در رسیدگی به مربی، موجب شیفتگی مربی میشود و او را در جایگاه یک الگوی عملی قرار میدهد (عالمزاده نوری، ۱۳۹۳: ۱۷۴). مربی باید با روی خوش و مهربانی با مربی برخورد نماید. در اینباره امام علی(ع) میفرماید: «کاملترین شما در ایمان، خوش اخلاقترین شماست».

۴-۵. برخورداری از نیت صحیح

نخستین مرحله و بلکه مقدمه آداب و آیینهای مربوط به معلم و شاگرد که باید در امر تعلیم و تعلم بعنوان امری ضروری و قطعی مورد توجه قرارگیرد، اینست که در پویایی از علم یا بذل و آموختن آن به دیگران، خلوص نیت باشد، یعنی معلم و شاگرد باید در مسیر تعلیم و تعلم در جهت هدفی الهی و انسانی گام بردارند و هیچگونه شوائب انتفاعی و مادی را با این هدف الهی در نیامیزند، زیرا محور و کانون ارزش علم و رفتار هر کسی به قصد و نیت اوست. اعمال و رفتار انسان گاهی همچون سفال و کوزه‌یی شکسته فاقد ارزش و اعتبار میشود. بنابراین لازم است معلم و شاگرد در اعمال خود صرفاً اطاعت از فرمان خداوند و پیراستن خویش از رذائل و ارشاد بندگان خدا به حقایق دین را منظور نهایی قرار دهند (شهیدثانی، ۱۳۹۶: ۷۱).

۴-۶. ایده‌ها و شخصیت افراد را مورد استهزاء قرار

ندادن

هر چند ممکن است در ابتدای جلسات «فلسفه و کودک»، ایده‌های خام و غیر سودمندی ارائه گردد، اما مربی باید مراقب باشد که هیچیک از آنها را به تمسخر نگیرد و حتی به شوخی هم شخصیت افراد را مورد استهزاء قرار ندهد. مسخرکردن افراد یا ایده‌های آنها موجب از بین بردن اعتماد بنفس و عزت نفس متربیان خواهد شد که مانع از اندیشیدن و ایده‌پردازی او در آینده خواهد گردید. همچنین استهزاء مربی مانع از تفکر خلاق کودک خواهد شد (فیشر، ۱۳۹۱: ۷۸).

۴-۷. ایده‌های جدید را رد نکردن

هیچگاه نباید ایده‌های نو و جدید را قبل از اینکه بیان شوند، ببهانه اینکه پشتوانه قبلی ندارد، رد کرد زیرا این کار علاوه بر اینکه موجب ضربه به شکوفایی تفکر خلاق کودک میشود، چه بسا ممکن است در آینده نه چندان دور، مشخص گردد که این ایده مناسب و بکر بوده است. میتوان گفت ماهیت تشکیل کلاسهای «فلسفه و کودک»، برای شکوفایی چنین رویشهایی است و ارائه ایده‌های جدید، لازمه چنین برنامه‌هایی است (همانجا).

۴-۸. علاقه‌مندی به موضوع

مربی باید تمام تلاش خود را انجام دهد تا متربیان به موضوع و برنامه‌های در نظر گرفته شده علاقه لازم را بدست آورند. شرط اول تحقق چنین اصلی، علاقه‌مندی مربی به موضوع و کاری که انجام میدهد و همچنین ابراز علاقه آن در برابر متربیان است. علاقه نشان دادن مربی خود موجب علاقه‌مندی متربیان خواهد شد.

۴-۹. بها دادن به پیشنهادها

یکی از اصول مهم در کلاسهای اندیشه‌ورزی، آزاد بودن نسبی متربیان در ارائه نظر و پیشنهاد است. فضا باید بنحوی باشد که متربیان احساس کنند هیچ مانعی برای اظهارنظر و ارائه پیشنهاد وجود ندارد و در کمال آرامش و امنیت، بتوانند سخن بگویند. از اینرو مربی در عین مدیریت و کنترل جلسه، باید به پیشنهادهای متربیان ارزش دهد (همانجا).

۴-۱۰. سلطه طلب نبودن

مربی نباید روحیه سلطه‌طلبی داشته باشند و نظر خود را بر متربیان تحمیل کنند. هرچند ممکن است نظریه مربی صحیح باشد و نظریه متربیان غلط، اما با توجه به اینکه وظیفه مربی هدایتگری متربیان است و باید زمینه را برای شکوفایی و وصول به واقع فراهم کند، نباید فضای سلطه‌گری و دیکتاتوری بر کلاس حاکم باشد (همانجا).

۴-۱۱. صبور بودن

یکی دیگر از ویژگیهایی که برای مربی لازم و بسیار سودمند است، داشتن صبر و بردباری در امر تربیت و سعه صدر است. این خصلت باعث میشود مربی با روحی دریاگون و حوصله‌یی مثال‌زدنی به وضعیت مربی



رسیدگی کند و از کوتاهیها و بی‌تجربگیهای او خسته نشود (عالم‌زاده نوری، ۱۳۹۳: ۱۴۷). در اینباره خدای متعال به رسول اکرم(ص) میفرماید: «الم نشرح لك صدرک؛ آیا ما سینهات را گشایش ندادیم؟» (انشراح/ ۱). بنابراین همهٔ مربیان بویژه مربیان کودک، باید از صبر بالایی برخوردار باشند و آستانهٔ تحمل خود را بالا ببرند.

۴-۱۲. ایجاد روحیهٔ پرسشگری در کودک

اصولاً افراد نمی‌اندیشند مگر اینکه مسئله یا مشکل خاصی مطرح شود و آنان را به تفکر برانگیزد. قرآن کریم در اینباره میفرماید: «فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»؛ اگر نمیدانید، از آگاهان بپرسید (نحل/ ۴۳). همچنین پیامبر اکرم(ص) میفرماید: «الْعِلْمُ خَزَائِنٌ وَمَفَاتِيحُهُ السُّؤَالُ فَاسْأَلُوا يَرْحَمَكُمُ اللَّهُ فَإِنَّهُ يُجْزِرُ فِيهِ أَزْبَعَةَ السَّائِلِ وَالْمُعَلَّمِ وَالْمُسْتَمِعِ وَالْمُجِيبِ لَهُ»؛ دانش گنجینه‌یی است که کلید آن پرسش است؛ بپرسید، خداوند شما را رحمت کند که چهار گروه پاداش میبرند: سؤال کننده، پاسخ دهنده، شنونده و دوستدار آنان (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۲/ ۲۸).

تفکر دانش‌آموز زمانی به فعالیت واداشته میشود که در برابر طرح مسئله و موقعیت مبهم قرار گیرد. طرح موقعیت مبهم، کار دانشمندان و متفکرانی است که بحسب ذهن کنجکاو خود، هر لحظه، خود را در برابر ندانسته‌ها قرار میدهند تا دانسته‌ها را کشف کنند.

تدریس هر معلمی باید همواره توأم با کنجکاو و روحیهٔ پرسشگری باشد تا در موقعیتهای متفاوتی که پیش می‌آید، از دانش‌آموزان پرسش شود. بواسطهٔ پرسشگری سقراطی، میتوان از علاقهٔ دانش‌آموزان بیشترین بهره را برد؛ آنچه گمراه‌کننده بنظر میرسد را اصلاح نمود، با مسئله برخورد منطقی نمود و به تلفیق و گسترش بینش دانش‌آموزان کمک کرد.

۴-۱۳. تشویق متربی

مربی باید متربیان خود را متناسب با رفتارها، فعالیتها و دستاوردهای خلاق، مورد تشویق^۳ قرار دهد. همچنین معلم باید شاگردان خود را به علم و دانش تشویق نماید و فضایل و ارزشها و مزایای علم و علما را به آنان تذکر دهد (شهیدثانی، ۱۳۹۶: ۱۱۹).

۴-۱۴. ارزش و احترام برای تخیلات و افکار نو دانش‌آموزان

هرچند مربی باید افکار متربی را بسمت حقایق رهبری کند، اما نباید اندیشه‌های نو آنها را بکوبد و به آن اهمیت ندهد، زیرا بی‌اهمیتی نسبت به اندیشه‌های نو متربیان ممکن است روحیهٔ پرسشگری، اعتماد بنفس و... را در آنها کمزنگ نماید و این موضوع با اهداف «فلسفه و کودک» منافات دارد. معلم باید در بحث و گفتگو و مذاکره با شاگردانش، منصف باشد. اگر از شاگردی گفتاری مفید و سودمند شنید، به اهمیت و ارزش و سودمندی آن اعتراف نماید، اگرچه آن شاگرد، کم سن و سال باشد، زیرا انصاف و اعتراف به اهمیت افکار صحیح دیگران، از برکات علم و دانش بشمار می‌آید (همان: ۱۲۸).

۴-۱۵. روبرویی متربیان با مسائل حل نشده و درخواست راه‌حلهای جدید

معلم باید نتایج سودمند مسائل دقیق و نکات پیچیده و ناآشنا را برای شاگردان خود مطرح سازد و از آنها بخواهد که در اینباره نظر دهند. با طرح فواید و نتایج مسائل و نکات مذکور، قدرت درک دانش‌آموزان آموخته و در ضمن آن، معلومات شاگردان برجسته نیز نمودار میگردد. طرح مسائل دقیق، این فایده را دارد که از رهگذر آن، شاگردان با این مسائل سر و کار پیدا کرده و به دقت و باریک‌اندیشی دربارهٔ آنها خو میگیرند (همان: ۱۲۷).

۴-۱۶. مهلت دادن

مهلت دادن به کودک او را در مسیری آرام و بی‌استرس برای گام برداشتن در مسیر اندیشه‌ورزی بهتر قرار میدهد (فیشر، ۱۳۹۱: ۷۸). معلم باید فرصت کافی برای همهٔ شاگردان ایجاد نماید تا بتوانند افکار و عقاید و هنر خود را آزادانه بیان و به دیگران عرضه کنند. تأمین این احتیاج روح اجتماعی، قوهٔ بیان، نیروی ابتکار و روح تسامح یا سعهٔ صدر را در میان شاگردان رواج میدهد (شریعتمداری، ۱۳۶۹: ۴۱۸).

۴-۱۷. تمرکز بر تفکر کودک

از آنجا که اندیشه‌ورزی، هدف اصلی برنامهٔ «فلسفه و کودک» است، در حین اجرای آن نباید از اصل تفکرورزی غافل شد و باید مراقب بود کلاس، پویایی خود را از دست

دهد و بجای اندیشه‌ورزی به صرف بیان داستان اکتفا نشود. تمام هم و غم مربی در زمان اجرای برنامه باید تمرکز بر تفکر مرتبی باشد. وگرنه ممکن است نتیجه مطلوب حاصل نشود (فیشر، ۱۳۹۱: ۷۸).

۱۸-۴. قضاوت را به بعد موکول کردن

در فرایند اندیشه‌ورزی مربیان در حین جلسات «فلسفه و کودک»، نتایج بدست آمده لزوماً همیشه صحیح نیستند بلکه اندیشه‌ورزی یک چیز است و رسیدن به نتیجه صحیح مسئله دیگری؛ که در جای خود باید درباره آن بحث شود. با وجود این، مربی با مواجهه با نتایج غیرصحیح نباید در همان ابتدا قضاوت کند و از نظر صحیح جانبداری نماید، زیرا ممکن است این کار بمنزله یک شکست در نظر مربی جلوه نماید و انگیزه او برای ادامه اندیشه‌ورزی را سست کند (همانجا).

۱۹-۴. تأکید بر استقلال مربیان

مربی در حین هدایتگری، طرح سؤال و جمع‌بندی نتایج، باید به استقلال مربیان توجه لازم را داشته باشد و نباید راهنمایی‌هایش، مربیان را افرادی وابسته و غیر مستقل بار آورد. در نتیجه، آموزش او باید بگونه‌ای باشد که مربیان بتوانند بتدریج در مواقع تنهایی و مواجهه با مسائل و مشکلات، خودشان مستقل اندیشه‌ورزی نمایند و درصدد حل مسائل پیش‌روی خود برآیند (همانجا).

۲۰-۴. گوش دادن به نتایج

شایسته و بایسته است که مربی نتایج بدست آمده مربیان را بخوبی گوش دهد و نباید ببهانه ناصحیح بودن نتایج، عجله نموده و سخن آنها را قطع نماید، بلکه باید با آرامش و صمیمیت به نتایج کسب شده مربی گوش فرا دهد. البته مربی باید متذکر شود که گوش کردن کامل نتایج، لزوماً بمعنای صحیح بودن آنها نیست (همانجا).

۲۱-۴. فعالانه گوش دادن

مربی باید فعالانه و با دقت به نتایج و صحبت‌های مربیان گوش فرادهد و نباید نسبت به آنها حالت انفعالی و خنثی داشته باشد؛ به این معنا که در حین صحبت مربی، او را مورد تحلیل و دقت قرار دهد تا بتواند بعد از پایان صحبت‌های مربی، بخوبی او را بسوی نتیجه و جواب

صحیح هدایت نماید (همانجا).

۲۲-۴. علاقه واقعی نشان دادن

مربی باید سعی کند نسبت به همه دیدگاهها، نظریات و نتایج بدست آمده، ابراز علاقه کند تا مربیان نسبت به اندیشه‌ورزی و نظریه‌پردازی تشویق شوند؛ باید در نهایت مربیان را بسمت جواب حق رهنمود کند تا پراکندگی و تکثر در نتایج رخ ندهد، اما بروشی که منجر به احساس شکست در مربیان نشود (همانجا).

۲۳-۴. نتایج بدست آمده مربیان را عملی و قابل اجرا فرض کردن

برای تقویت انگیزه و همچنین اعتماد بنفس مربیان، لازم است مربی بنحوی با نظریه‌پردازی و نتایج حاصل از اندیشه مربیان برخورد نماید که بنظر آید آنها قابل اجرا و عملیاتی هستند (همانجا).

۲۴-۴. شرکت کردن در ریسکها

یکی از عواملی که موجب تأثیرگذاری مربی بر مربی می‌شود، الگوی عملی است. مشارکت مربی در ریسکهای مربیان در امر اندیشیدن و نظریه‌پردازی، بمثابه الگوی عملی، تأثیر بسزایی بر مربیان خواهد داشت (همانجا).

۲۵-۴. دعوت کودک به آزمایش ایده‌های تازه

عقل دارای مراتب و اقسامی است که یکی از آنها عقل تجربی است. عقل تجربی، عقلی است که با تجارب در امور رشد نموده و موجب رشد انسان از این بُعد میشود. آزمایش ایده‌ها یا همان تجربه آنها، موجب تقویت عقل تجربی میشود. بر این اساس، مناسب است مربی از مربی بخواهد ایده‌های خود را مورد آزمایش و تجربه قرار دهد (همانجا).

۲۶-۴. در دسترس کودکان بودن

یکی از اصول مهم در فرایند برنامه «فلسفه و کودک»، حضور مفید و در دسترس بودن بموقع مربی است. کودکان در فرایند اندیشه‌ورزی و حلقه‌های کندوکاو نیازمند یک هدایتگر در دسترسند تا هنگام بروز مشکل یا مانع در فرایند اندیشه‌ورزی به آنها کمک کند. بر این اساس، شایسته است در کلاس کندوکاو، تعداد مربیان بحدی زیاد نباشد که منجر به غفلت مربی از عده‌ی از مربیان شود (همانجا). امروزه در برخی از مدارس، بدلیل شلوغی کلاس و زیاد بودن



دانش آموزان، برای بهبود کیفیت برنامه‌های کلاس، از بیش از یک مربی و معلم استفاده میکنند.

۲۷-۴. پذیرفتن تصمیمات کودک

هرچند که مربی در نهایت باید متربیبان را بسمت نتایج صحیح و جوابهای درست هدایت کند، اما نباید تصمیمات و نظریات خود را به آنها تحمیل نماید؛ عبارتی، باید بعد از تبیین و هدایتگریش بسوی نتایج صحیح، به تصمیمات و نظریات متربیبان احترام بگذارد (همانجا).

۲۸-۴. بدنبال علاقه کودک بودن

توجه به علاقه کودک باطن می‌شود در برنامه‌ریزیها و محتواهای در نظر گرفته شده دقت لازم بعمل آید و این برنامه‌ریزیها واقع‌گرایانه شکل بگیرند تا در نهایت اهداف مورد نظر حاصل گردد.

از دیدگاه ابن‌سینا، علایق و رغبت‌های دانش‌آموزان بسیار مهم بود اما این علایق باید بوسیله معلم هدایت و راهنمایی شود. «مربی کودک باید بداند اینگونه نیست که کودک هر حرفه‌یی بخواهد برگزیند، برایش امکانپذیر باشد و از عهده آن برآید، بلکه باید حرفه‌یی برگزیند که با طبیعت او مناسبت داشته باشد» (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۳). همچنین معلم باید درباره شاگردان، خواهان اموری باشد که خودش نسبت به آنها علاقه و دل‌بستگی داشته باشد و هرگونه شر و بدی را که برای خویش نمی‌پسندد برای شاگردان نیز نپسندد (شهیدثانی، ۱۳۹۶: ۱۱۹).

۲۹-۴. نظریه‌پردازی به‌مراه کودک

شایسته است مربی از باب الگودهی به کودک در امر نظریه‌پردازی، بطور عملی در مقابل کودک نظریه‌پردازی نماید تا متربی نیز از او الگو گرفته و جسارت نظریه‌پردازی در جان کودک نهادینه شود (فیشر، ۱۳۹۱: ۷۸). الگوها، تجسم عینی کمالاتی هستند که انسان در پی آن است. مربی علاوه بر معرفی الگوهای مناسب، خود نیز در جایگاهی است که خواسته یا ناخواسته رفتار و گفتارش در برابر دیدگان متربی قرار دارد و بر جان الهام‌پذیر او اثر می‌گذارد (عالم‌زاده نوری، ۱۳۹۳: ۲۱۴).

۳۰-۴. رفتار متناسب با متربی

مربی باید بتواند، متناسب با رفتار، کلام و تصمیمات

کودک، عکس‌العمل نشان دهد. روانشناسی امروز درباره توانمندیهای روحی و روانی آدمی معتقد است افراد دارای الگوهای متفاوتی در رفتارند، زیرا محیط ژنتیکی و اجتماعی کودکان و پایگاههای فرهنگی و اقتصادی آنان با یکدیگر متفاوت است. حتی کودکان دو قلوبی همسان نیز با هم برابر نیستند. بنابراین معلم باید بداند که با هر کودک چگونه برخورد و معاشرت نماید. در امر تعلیم و تربیت، نسخه یکسان پیچیدن برای همه، جواب نمیدهد (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۹).

۳۱-۴. تفهیم اینکه لازمه آموختن، انجام اشتباهات است

لازمه اندیشه‌ورزی ابتدایی، رخ دادن برخی اشتباهات است، که البته قرار است با برنامه‌های فلسفه و کودک، او به یک متفکر بی‌خطا یا کم‌خطا تبدیل شود؛ اما این خطاها ممکن است منجر به ترس متربیبان در اندیشه‌ورزی شود و مانع رشد آنها گردد. بنابراین مربی باید قبل از حصول چنین آفتی، متربی را متوجه این مطلب نماید که لازمه تعلیم و تفکر، انجام برخی اشتباهات است (فیشر، ۱۳۹۱: ۷۸).

۳۲-۴. بها دادن به ایده‌های خلاق

اگرچه مربی باید مراقب باشد تا درباره نظریات متربیبان جانبداری و قضاوت صریح نکند، اما شایسته است به ایده‌های خلاق بهای بیشتری بدهد تا هم تشویقی برای آن کودک باشد و هم انگیزه‌یی برای سایر کودکان ایجاد شود تا تلاش بیشتری برای دستیابی به ایده‌های خلاق بخرج دهند. تربیت، تنها دانستن نیست بلکه نوعی شدن و صیوروت است. برای این تحول روانی پس از شناخت راه و چاه و روش و نقشه حرکت، انگیزه و اشتیاق از مهمترین شروط است. انسان تا به چیزی شوق و علاقه نداشته باشد، در تحقق آن قدمی جز به جبر و اکراه برنمیدارد (عالم‌زاده نوری، ۱۳۹۳: ۱۹۴).

۳۳-۴. عادت دادن کودک به گفتن «نمیدانم»

یکی از موانع رایج تفکر انتقادی، میل به موافقت یا عدم موافقت سریع با گفته دیگران است، بدون آنکه از

قبل در این مورد اندیشیده باشیم در حالیکه برای حصول اطمینان از تشخیص حقیقت نیازمند دانستن چنین چیزی هستیم. معلمها باید کودکان را تشویق به گفتن جمله «من میدانم» و به تأخیر انداختن قضاوت هنگام کافی نبودن شواهد، کنند. یکی از مهمترین وظایف معلم اینست که وقتی از او درباره موضوعی سؤال کردند که بدان احاطه و آگاهی ندارد یا اینکه در ضمن تدریس به مسائلی برخورد کند که اطلاع و آگاهی درباره آنها ندارد، باید به عجز خود اعتراف نموده و بگوید از آن اطلاعی ندارم یا درباره آن تحقیق نکرده‌ام و بطور کامل از آن آگاهی ندارم. امام علی (ع) فرمودند: «وقتی از شما درباره چیزی سؤال کردند که علم و آگاهی درباره آن ندارید، راه فرار و گریز را در پیش گیرید. عرض کردند این فرار و گریز چگونه است؟ فرمود: بگویید خدا بهتر میداند» (شهیدثانی، ۱۳۹۶: ۱۴۴).

۳۴-۴. نگفتن پاسخ و نتیجه به کودکان قبل از اندیشه‌ورزی و تلاش آنها

مربی نباید در پاسخگویی به سؤالات و ابهامات عجله کند، زیرا نقش او بیشتر هدایتگری و ایجاد سؤال برای کودک است و باید سعی کند با روشهای مناسب و بصورت قدم‌بقدم، کاری کند تا خود کودک فکرش را بکار اندازد و به جواب و راه‌حل مناسب برسد. افرادی که در برخورد با محیط بیشتر دقت کنند، فکر خود را بکار بیندازند و عناصر موجود در محیط را از جهات مختلف مورد بررسی قرار دهند، بهتر میتوانند اندیشه‌ها و افکار تازه را ایجاد کنند (شریعتمداری، ۱۳۶۹: ۴۱۱).

۳۵-۴. فرق نگذاشتن بین کودکان در ارائه بحث

مربی نباید در ارائه بحث توسط متریبان بین آنها تفاوتی قائل شود، چراکه همه افراد به یک میزان حق اظهار نظر دارند و کسی بر دیگری در ارائه نظر و بیان آن اولویت ندارد. اگر شاگردان برای درس به معلم مراجعه کنند و کثرت متقاضیان و مراجعان درس زیاد باشد بطوری که پاسخ مثبت برای شروع به درس همه آنها میسر نباشد، معلم باید تعلیم شاگردانی که قبلاً نوبت گرفته‌اند را بر دیگران مقدم دارد و

بترتیب نوبتگیری عمل کند (همان: ۱۲۹).

۳۶-۴. تأیید نکردن صریح نظر کسی که مطابق با نظر اوست

مربی نباید نظریه‌یی که مطابق دیدگاه خود اوست را بصراحت تأیید و نظریه بقیه را بصورت مستقیم مخدوش نماید، زیرا این کار موجب یأس و ناامیدی شاگردان در اندیشه‌ورزی میشود. تأیید صریح یک نظریه موجب میشود متریبانی که به نتیجه‌یی مخالف با آن رسیده‌اند، دچار نوعی بی‌انگیزگی شوند درحالیکه چنانکه قبلاً گفته شد، انگیزه‌سازی نقش مهمی در حرکت و رشد متریبان دارد.

۳۷-۴. جلوگیری از عادت کودکان به حافظه محوری

خصوصیت عمده حافظه، حفظ و نگهداری است؛ یادآوری، تشخیص و اجرا، آثار و نتایج حفظ هستند (همان: ۲۴۶). هرچند حافظه و حفظ مطالب در امر یادگیری مهم است و برای تقویت حافظه باید تدابیر لازم انجام گیرد، اما اینکه فقط بر حافظه‌محوری تأکید شود و بجای فهم و اندیشه و نفوذ در عمق مطلب، به حفظ ظاهر آن اکتفا شود، آفتی است که در برخی از مراکز آموزشی نفوذ کرده است. یکی از اهداف اصلی آموزش فلسفه و کودک، مقابله با حافظه‌محوری در کودکان است، چراکه حافظه‌محوری تعطیلی اندیشه‌ورزی و نظریه‌پردازی را در پی خواهد داشت.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

«فلسفه و کودک» نه فقط یک روش است، بلکه با ارائه محتوای فکری، وظیفه جهنده‌ی و شکوفایی اندیشه‌های دانش‌آموزان را نیز برعهده دارد. در روشهای مرسوم آموزش، تنها مربی صحبت میکند و دیگران گوش میدهند، اما در این روش، هرکدام از دانش‌آموزان خود میتوانند آغازگر یک گفتگو باشند. مربی در این روش تنها یک تسهیلگر است که فقط پرسش میکند، یا اشتباهاتی را که دانش‌آموزان مرتکب میشوند مشخص مینماید و نقش هدایتگر و جمع‌کننده بحث را ایفا میکند.

اگرچه اصل اندیشه‌ورزی و پرورش فکری کودکان مورد تأیید اسلام است و باید به آن اهتمام ورزید، اما آنچه در حال حاضر تحت عنوان فلسفه برای کودکان (چه از



جهت روشی و چه محتوایی) در حال اجراست، از فرهنگ و خاستگاهی غیراسلامی و غیرایرانی برخاسته است و نمیتوان آن را چشم‌بسته و بدون بررسی دقیق پذیرفت، زیرا متفکر شدن افراد به هر قیمتی جایز نیست و چه‌بسا انسانهای متفکری که از لحاظ محتوا، سکولار، بی‌مبنا و تهی هستند.

همچنین با وجود ظرفیتهای زیادی که در فرهنگ ایرانی و متون اسلامی (از جهت مبانی، اصول، روش و محتواهای غنی) وجود دارد، شایسته و بایسته است که فلسفه و کودکی متناسب با اندیشه، قواعد و ارزشهای اسلامی بومیسازی شود. امید است این مقاله گام کوچکی در این راستا باشد.

پی‌نوشتها

۱. ملاصدرا در *اسفار اربعه*، فلسفه را چنین تعریف میکند: «فلسفه عبارتست از استكمال نفس انسانی بسبب معرفت و شناخت حقایق موجودات - آنگونه که هستند - و حکم به وجود آنها از روی تحقیق و ثبوت، همراه با برهانها، نه از روی گمان و تقلید و پندار، بمقدار توان انسانی.. تا تشبه به باری تعالی حاصل آید» (ملاصدرا، ۱۳۹۳: ۴۷/۱).
۲. کتاب *توحید مفضل* حدیثی از امام صادق(ع) است در رابطه با برخی زیباییها و حکمتهای جهان خلقت که برای شخصی بنام مفضل بن عمر ایراد گردیده است.
۳. در باب اینکه تعریف تشویق چیست و حدود آن به چه شکل است و اینکه تشویق کردن در چه قالبهایی صحیح است، بحثهای مختلفی در علوم تربیتی صورت گرفته است که در جای خود باید مورد بررسی قرار گیرد، اما باجمال میتوان گفت: تشویق آن عامل تحریک‌کننده‌ی است که موجب حصول انگیزه و علاقه در مرتب، برای حرکت یا تداوم حرکت او، در نظر گرفته میشود.

منابع

- قرآن کریم.
 نهج البلاغة (۱۴۱۴ق) قم: نشر هجرت.
 نهج الفصاحة (۱۳۸۲) تهران: دنیای دانش.
 ابن بابویه، محمدبن علی (۱۳۷۸) *عیون اخبار الرضا علیه السلام*، تهران: نشر جهان.
 پروینیان، مژگان (۱۳۹۵) *طرح بحث برای مدیریت کلاس فلسفه و کودک*، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.

حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹ق) *وسائل الشیعة*، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.

خلعتبری، حسام‌الدین؛ آقا جعفری، زهرا (۱۳۹۳) «ارزیابی اهداف برنامه آموزش فلسفه به کودکان از دیدگاه تفکر در اندیشه اسلامی»، *فصلنامه فلسفه و کودک*، بنیاد حکمت اسلامی صدرا، شماره ۵۶.

خلیلی، سلیمه؛ افشار، لیلی؛ عباسی، محمود (۱۳۹۰) «بررسی تعلیم و تربیت اخلاقی از نگاه ابن‌سینا»، *فصلنامه تاریخ پزشکی*، شماره ۸.

رمضانی، معصومه (۱۳۹۸) «بررسی برنامه درسی فلسفه برای کودکان در راستای توجه به ابعاد مختلف ذهنیت فلسفی»، *تفکر و کودک*، شماره ۱.

شریعتمداری، علی (۱۳۶۹) *روانشناسی تربیتی*، تهران: امیرکبیر.

شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۳۹۶) *منیة المرید* (ترجمه گزارش‌گونه: سیدمحمدباقر حجتی با عنوان: *آداب تعلیم و تعلم در اسلام*)، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱) *مصباح المتهدد و سلاح المتعبد*، بیروت: مؤسسه فقه الشیعة.

طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۰) *مکارم الاخلاق*، قم: الشریف الرضی.

عالم‌زاده نوری، محمد؛ بوسلیکی، حسن؛ مرادی، حسین (۱۳۹۳) *نقش مربی در تربیت اخلاقی - معنوی*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

فخرایی، الهام (۱۳۸۹) «فلسفه برای کودکان؛ گامی بسوی پیوند فلسفه با جامعه»، *تفکر و کودک*، شماره ۱، ص ۷۴.

فیشر، رابرت (۱۳۹۱) *آموزش تفکر به کودکان*، ترجمه مسعود صفایی‌مقدم، اهواز: نشر گوزن.

کراچکی، محمدبن علی (۱۴۱۰ق) *کنز الفوائد*، قم: نشر دار الذخائر.

محمدی‌ری‌شهری، محمد (۱۳۸۲) *حکمت‌نامه جوان*، قم: دار الحدیث.

_____ (۱۳۸۹) *حکمت‌نامه کودک*، قم: دار الحدیث.

مفضل، بن عمر (۱۳۹۵) *توحید مفضل*، ترجمه علی‌اکبر میرزایی، قم: مبین اندیشه.

مقربى، نواب (۱۳۹۴) «آسیب‌شناسی شالوده‌های فلسفی برنامه فلسفه برای کودک از چشم‌انداز حکمت اسلامی»، *فصلنامه فلسفه و کودک*، بنیاد حکمت اسلامی صدرا، شماره ۱۱.

ملاصدرا (۱۳۹۳) *الحکمة المتعالیة فی الأسفار الأربعة*، قم: طلیعه نور.

نوروزی، رضاعلی؛ عابدی، منیره (۱۳۹۳) «تأثیر اجرای برنامه بومی‌شده فلسفه برای کودکان بر افزایش خودکارآمدی، شادی و خوش‌بینی

دانش‌آموزان»، *فصلنامه فلسفه و کودک*، بنیاد حکمت اسلامی صدرا، شماره ۵ و ۶.